

تأثیر سبک مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان

تاریخ دریافت: 1397/02/17

تاریخ پذیرش: 1397/07/02

تقی بختیاری¹، ابوالقاسم ایمانپور²

از صفحه 51 تا 76

چکیده

زمینه و هدف: پلیس در راستای برقراری نظم و امنیت، از شیوه‌ها و سبک‌های مدیریتی متفاوتی بهره می‌گیرد. مطالعه علمی ارتباط بین سبک‌های مدیریتی با میزان تأثیر آنها بر ارتقاء احساس امنیت می‌تواند تا حدودی بیانگر قوت و ضعف عملکرد پلیس باشد. لذا این پژوهش درصدد بررسی تأثیر سبک مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی بر میزان احساس امنیت شهروندان ایلامی می‌باشد.

روش‌شناسی: روش انجام تحقیق توصیفی - پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات در بخش کتابخانه‌ای، فیش‌نویسی و در بخش میدانی پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که پایایی آن بوسیله آلفای کرونباخ (78/7) و روایی صوری و محتوایی آن توسط اساتید و خبرگان تأمین گردید. جامعه آماری تحقیق، زنان و مردان دارای تحصیلات عالی در زمینه مدیریت و امنیت و ساکن شهرستان ایلام در سال 1393 بوده که حجم نمونه به کمک فرمول کوکران 164 نفر محاسبه گردید.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین سبک‌های مدیریت مورد مطالعه در این تحقیق سبک تلفیقی فرماندهان و مدیران انتظامی با ضریب تعیین 72 درصد و ضریب $t_{22/202}$ و سبک سنتی با ضریب تعیین 47 درصد و ضریب $t_{19/715}$ و سبک اقتضایی با ضریب تعیین 28 درصد و ضریب $t_{16/1619}$ به ترتیب در جایگاه اول تا سوم از نظر ارجحیت و تأثیر گذاری بر احساس امنیت شهروندان ایلامی قرار دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که به کارگیری انواع گشت‌های انتظامی با در نظر گرفتن شرایط و اقتضای زمان در جایگاه اول و وجود پلیس‌هایی که همگام با هنجارهای اجتماعی پیشرفت می‌نمایند و وجود پلیس‌هایی که خود را با ارزش‌های جامعه تطبیق داده‌اند در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: سبک مدیریتی، سبک سنتی، سبک اقتضایی، احساس امنیت.

1- استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) taghibakhtiari@gmail.com

2- دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین.

سازمان‌ها در معنای وسیع کلمه رکن اصلی اجتماع کنونی‌اند و مدیریت مهم‌ترین عامل بالندگی و یا مرگ سازمان‌هاست. مدیر، روند حرکت از وضع موجود به سوی وضعیت مطلوب را هدایت می‌کند و در هر لحظه برای ایجاد آینده‌ای بهتر در تکاپو است. عزم جامعه را مجموعه مدیریت کشور هدایت می‌کند. لذا امر مدیریت مهم‌ترین مقوله‌ای است که باید برای رشد و تعالی جامعه مورد توجه قرار گیرد. حال باید دید سازمان‌ها چه کار باید بکنند تا مدیریتی توانا داشته و مطابق با شرایط زمانی حرکت کنند. تجربیات جوامع موفق نشان می‌دهد که مهم‌ترین راهکار در این عرصه استفاده از پژوهش‌های علمی دقیق برای شناسایی ظرفیت‌ها، توانمندی‌های درونی سازمان‌ها و نهایتاً بهره‌گیری از نقطه‌های قوت و ترمیم نقاط ضعف است. تحقیقات نشان می‌دهد که تنها مدیرانی می‌توانند موجبات ارضای نیازهای کارکنان و رضایت شغلی را فراهم سازند که فرهنگ و فضای مناسب را در سازمان به وجود بیاورند. مباحث تئوریک و تحقیقات مربوط به سبک‌های مدیریتی و تعیین اثربخش‌ترین سبک مدیریت در یک سازمان، قدمتی به اندازه علم مدیریت دارد و این مسئله همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات بحث و تحقیق و ارائه تئوری‌های گوناگون از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان علم مدیریت به شمار می‌رفته است.

پلیس در هر کشوری، مسئولیت برقراری امنیت در جامعه را برعهده دارد. برای تحقق این هدف سازمان‌های پلیس شیوه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند. از مدت‌ها پیش سازمان‌های پلیس خود را نهادی وابسته به حکومت می‌دانستند و صرفاً بر اجرای قوانین و برخورد با مجرمان تأکید داشتند و سعی می‌کردند تا حد امکان از مردم دور باشند؛ اما به تدریج سازمان‌های پلیس دریافتند که بدون همکاری و مشارکت مردم، امنیت پایدار و واقعی محقق نمی‌شود؛ به علاوه مردم سرمایه‌های اجتماعی هستند که می‌توانند پلیس را در انجام وظیفه و تحقق اهدافش یاری دهند. بنابراین سازمان‌های پلیس به جلب مشارکت‌های مردمی در تأمین امنیت گرایش پیدا کردند.

احساس امنیت؛ این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه

می‌کنند. احساس امنیت و امنیت روانی به اندازه وجود امنیت در جامعه مهم است. بنابراین احساس امنیت یعنی احساس آزادی نسبی از خطر؛ به گفتاری دیگر، احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی و امنیت سرزمینی تلقی می‌شود (تاجران و کلاکی، 1388: 564). احساس امنیت در یک جامعه به همان اندازه وجود امنیت مهم است؛ البته برخی از کارشناسان احساس امنیت را در یک جامعه، حتی مهم‌تر از وجود امنیت می‌دانند (عزیزی، 1391: 87).

نیروی انتظامی یکی از سازمان‌های اجتماعی است که با جان، مال، ناموس مردم و حفظ مهم‌ترین مقوله اجتماعی یعنی نظم و امنیت سروکار دارد و به عنوان متولی این امر باید برنامه و تدابیری را اتخاذ و با مدیریت صحیح بتواند در مأموریت محوله خویش با توجه به نیاز جامعه موفق عمل نماید و برای موفقیت در این امر خطیر نیاز به مدیریت هوشمند و خلاق با توجه وضعیت موجود جامعه دارد که بتواند یگان انتظامی را در راستای نیل به اهداف سازمانی (ایجاد امنیت، احساس امنیت، رضایت‌مندی شهروندان و ...) هدایت نماید؛ لذا پرداختن به سبک‌های مدیریتی مدیران و ارائه روش و سبک‌های مختلف از سوی آنان لازم و ضروری به نظر می‌رسد. سبک رهبری مدیران یکی از عوامل مؤثر در افزایش اثربخشی، کارایی و بهره‌وری سازمان‌ها می‌باشد که در نهایت باعث افزایش احساس امنیت می‌گردد. سبک مدیریتی به کار گرفته شده توسط فرماندهان و مدیران انتظامی به ویژه فرماندهان و روسای کوپ در افزایش احساس امنیت یا کاهش احساس امنیت تأثیر فراوان داشته و مدیر می‌تواند با انتقال مهارت و تجربیات گران‌بهای خود کارکنان جمعی را در انجام وظایف محوله که همان ارتقاء امنیت است، یاری نمایند. مدیریت در نیروی انتظامی از نوع مدیریت بر یک سیستم باز می‌باشد که این سیستم تحت تأثیر محیط اطراف قرار دارد و نوع مدیریت نیز باید با در نظر گرفتن محیط پیرامون انتخاب گردد. با توجه به تجربه خدمتی محقق در چندین کلانتری و ارتباط مستمر با مردم، این حقیقت که تغییر فرمانده یا رئیس یک کلانتری یا پاسگاه در احساس امنیت مردم نقش بسزایی دارد، کاملاً مشخص و ملموس گردیده است. محقق با در نظر گرفتن موارد مذکور، با انجام این تحقیق سعی در تبیین تأثیر

سبک مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان در استان ایلام دارد و برای انجام این پژوهش متغیرهای سبک‌های مدیریت براساس سبک‌های مدیریت روسای پلیس در کتاب مدیریت پلیس که توسط گری کوردنر و کاترین اسکابورگ ارائه شده است، مورد سنجش قرار خواهد گرفت و سبک مدیریت فرماندهان و مدیران انتظامی با عنایت به این که نیروی انتظامی یک سیستم باز می‌باشد از یک طرف بر کارکنان زیرمجموعه و از طرف دیگر نیز تأثیر آن بر جامعه مشهود می‌باشد، لذا سبک مدیریت فرماندهان و مدیران انتظامی دارای دو نقش و کارکرد داخلی و خارجی می‌باشد. این پژوهش با هدف پاسخگویی به این سوال صورت می‌گیرد که؛ سبک مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام چه تأثیری دارد؟

بیان مسأله

امنیت نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است. به همین دلیل سخت‌ترین مجازات‌ها در فقه اسلامی برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می‌افکند (جعفری لنگرودی، 1368: 65). فرهنگ لغت معین امنیت را «ایمن شدن، در امان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی» تعریف می‌کند (عمید زنجانی، 1367: 548). مقام معظم رهبری امنیت را از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل هر جامعه و زمینه لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی جامعه می‌دانند (مقام معظم رهبری، 1388). احساس امنیت؛ یعنی احساس آزادی نسبی از خطر؛ به گفتاری دیگر، احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی و امنیت سرزمینی تلقی می‌شود (تاجران و کلاکی، 1388: 564). احساس امنیت در یک جامعه به همان اندازه وجود امنیت مهم است؛ البته برخی از کارشناسان احساس امنیت را در یک جامعه، حتی مهم تر از وجود امنیت می‌دانند (عزیزی، 1391: 87).

نیروی انتظامی یکی از سازمان‌های اجتماعی است که با جان، مال، ناموس مردم و حفظ مهم‌ترین مقوله اجتماعی یعنی نظم و امنیت سروکار دارد و برای موفقیت در این

امر خطیر نیاز به مدیریت هوشمند و خلاق با توجه به وضعیت موجود جامعه دارد، که بتواند یگان انتظامی را در راستای نیل به اهداف سازمانی (ایجاد امنیت، احساس امنیت، رضایتمندی شهروندان و ...) هدایت نماید؛ لذا پرداختن به سبک‌های مدیریتی و تعیین بکارگیری سبک‌های مؤثر برای مدیران انتظامی لازم و ضروری می‌باشد. مدیریت در نیروی انتظامی از نوع مدیریت بر یک سیستم باز می‌باشد که این سیستم تحت تأثیر محیط اطراف قرار دارد و نوع مدیریت نیز باید با در نظر گرفتن محیط پیرامون انتخاب گردد. لذا در این پژوهش متغیر سبک‌های مدیریتی بر اساس کتاب مدیریت پلیس که توسط گری کوردنر¹ و کاترین اسکابورگ² ارائه شده است، مورد سنجش قرار گرفته و سبک مدیریت فرماندهان و مدیران انتظامی از یک طرف بر کارکنان زیرمجموعه و از طرف دیگر نیز تأثیر آن بر جامعه مشهود می‌باشد، لذا سبک مدیریت فرماندهان و مدیران انتظامی دارای دو نقش و کارکرد داخلی و خارجی می‌باشد. این تحقیق با هدف پاسخگویی به این سؤال صورت می‌گیرد که: سبک مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام چه تأثیری دارد؟

مبانی نظری

گفتنی است که با توجه به گستردگی و تنوع مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق، از این فرصت استفاده شده و مباحث و نقطه نظرانی هرچند از مبانی نظری مرتبط با موضوع و نظریه دانشمندان در رابطه با سبک مدیریت، امنیت و احساس امنیت و همچنین پیشینه تحقیق در ایران و غیره پرداخته شده است.

سبک مدیریت: سبک مدیریت بر نقش داخلی رئیس پلیس و نیز اداره جنبه‌ها و مظاهری از این نقش تأکید دارد. مدیر بر برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، استخدام، هدایت و کنترل سازمان پلیس متمرکز می‌شود. او تابع الگوی حرفه‌ای مدیریت پلیس و معتقد به استقلال پلیس است و عمیقاً باور دارد که آموزش، تعلیمات و فناوری ابزاری برای متری کردن پلیس هستند. او معتقد است به عنوان رئیس پلیس در وهله اول یک مدیر و سپس یک مأمور پلیس است. این سبک مزایا و معایبی دارد. باور عمیق به استقلال پلیس و در

1-Curdner

2- Scarborough

نتیجه فقدان توجه به نقش خارجی رئیس پلیس می‌تواند منجر به مشکلاتی در روابط وی با مقامات، اتحادیه‌ها، جامعه و رسانه‌ها شود. تأکید بر نقش مدیریتی ممکن است مانع رسیدن به منافع داخلی، به ویژه در تسلط و کارآمدی بیشتر شود، اما پیامدهای مثبت آن حتی اگر با برقراری روابط با کارمندان و مردم حاصل شود کوتاه مدت خواهد بود. مدیر بیشتر تمایل دارد بر شیوه‌های انجام امور داخلی متمرکز شود تا حاصل واقعی کار، که در نتیجه سازمان در ظاهر کارآمد است اما ممکن است در تحقق اهداف و خدمات‌رسانی به مراجعین‌اش ناکارآمد باشد (کوردنر و اسکاربورگ، 1390: 280).

سبک‌های مدیریت: سبک مدیریت به عنوان یکی از وظایف مهم مدیران، علم و هنر نفوذ در افراد به منظور دستیابی به اهداف می‌باشد سبک (شیوه) رهبری هر فرد عبارت است از الگوی رفتاری آن فرد که هنگام نفوذ در فعالیت‌های دیگران از آن استفاده می‌نماید (هرسی و بلانچارد، 2007: 28).

مدیریت و رهبری دارای سبک‌های فراوانی است که از بین آنها به صورت خلاصه به تعدادی که با سبک‌های مدیریت و رهبری در پلیس نزدیک‌تر هستند بشرح ذیل اشاره خواهد شد:

1- سبک وظیفه‌مداری: سبک وظیفه‌مداری رفتاری است که با گرایش زیاد مدیر به تعیین نقش‌های کارمندان مشخص می‌گردد. مدیری که این سبک را در شرایط نامناسب به کار گیرد (مدیر خودکامه) نام می‌گیرد؛ و در صورتی که در شرایط مناسب استفاده شود (مدیر مستبد خیراندیش یا مستبد خیرخواه) خوانده می‌شود.

2- سبک رابطه‌مداری: سبک‌های رابطه‌مداری تحت عنوان سبک‌هایی که در آن مدیر حداقل گرایش به وظیفه و یا کار و حداکثر گرایش به رابطه یا فرد را داراست، بررسی می‌شود. مدیری که این سبک را در شرایط مناسب به کار گیرد (مدیر رشدهنده) نام می‌گیرد و در صورتی که در شرایط نامناسب استفاده شود (مدیر مطیع یا موعظه‌گر) نامیده می‌شود.

3- سبک وظیفه‌مداری و رابطه‌مداری قوی: سبک مدیریت وظیفه‌مدار و رابطه‌مدار قوی با گرایش زیاد مدیر به وظیفه‌مداری و نیز گرایش زیاد به رابطه

مداری به طور هم زمان یعنی مدیریت تیمی توصیف می‌گردد. مدیری که این سبک را در شرایط مناسب به کار گیرد (مدیر مجری) نام می‌گیرد؛ و در صورتی که در شرایط نامناسب استفاده شود (مدیر سازش‌کار) نامیده می‌شود.

4- سبک وظیفه مداری و رابطه مداری ضعیف: سبک‌های وظیفه مداری و رابطه مداری ضعیف به عنوان سبک‌هایی از رفتار مدیر که در آن حداقل گرایش به وظیفه مداری و نیز حداقل گرایش به رابطه مداری را داراست توصیف می‌کند. این سبک رفتاری در صورتی که در شرایط مناسب به کار رود مدیر اثربخش و به نام (مدیر دیوان‌سالار) نامیده می‌شود (مصدق راد، 1383: 86).

رهبری: رهبری به عنوان یکی از وظایف مهم مدیران، علم و هنر نفوذ در افراد به منظور دستیابی به اهداف می‌باشد. سبک رهبری یا مدیریت تعیین‌کننده جو، فرهنگ، راهبردهای حاکم بر سازمان است. سبک رهبری مجموعه‌ای از نگرش‌ها، صفات و مهارت‌های مدیران است که بر پایه چهار عامل نظام ارزش‌ها، اعتماد به کارمندان، تمایلات رهبری و احساس امنیت در موقعیت‌های مبهم شکل می‌گیرد (مصدق‌راد، 1381: 25). البته رهبری سازمان زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که با جهت‌گیری راهبردی و اهداف سازمان همسو باشد (هنگ¹ و همکاران، 2013: 237).

سبک‌های رهبری: در این قسمت به بررسی اجمالی چند سبک رهبری که دارای قرابت و نزدیکی بیشتری با نحوه کار و مأموریت‌های پلیسی هستند می‌پردازیم:

چهار سبک رهبری هرسی و بلانچارد در نظریه چرخه زندگی شامل:

1- سبک آمرانه (وظیفه مداری زیاد- رابطه مداری کم): در این سبک رهبر نقش‌ها را تعیین می‌کند و به افراد می‌گوید که چگونه، چه وقت و کجا وظایف مختلف را انجام دهند.

2- سبک متقاعدکننده (وظیفه مداری زیاد- رابطه مداری کم): در این سبک رهبر هم رفتار آمرانه و هم رفتار حمایت‌کننده دارد و دستورالعمل‌های مربوط به کارها و بخشنامه‌های مربوط به حمایت از کارکنان را صادر می‌کند.

3- سبک مشارکتی (وظیفه مداری کم-رابطه مداری زیاد): رهبر و پیروان در این سبک در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند نقش اصلی رهبر ایجاد تسهیلات و ارتباطات است.

4- سبک تفویضی (وظیفه مدار کم-رابطه مدار زیاد): در این سبک رهبر در رابطه با کار در زمینه حمایت از کارکنان، هیچ دستورالعمل یا بخشنامه‌ای صادر نمی‌کند (هرسی و بلانچارد، 2007: 61).

سبک پلیس ارشد (سبک سنتی): سبک پلیس ارشد نیز مانند سبک مدیریت، بر نقش داخلی رئیس پلیس تأکید می‌کند با این تفاوت که بیش‌تر، بر هدایت متمرکز است. پلیس ارشد به شدت درگیر عملیات‌های پلیسی است، اغلب نیروها را فرماندهی می‌کند یا مسئولیت تحقیقات جالب‌تر و مهم‌تر را برعهده می‌گیرد. پلیس‌های ارشد نسبت به مدیران مورد علاقه و احترام بیشتری از سوی کارکنان قرار می‌گیرند، البته این بستگی فراوان به قابلیت‌های عملیاتی آنان دارد. عدم موفقیت یا عملکرد ناشیانه آنان در زمینه فرماندهی یا تحقیقات، احترام آنان را خیلی زود در میان نیروهایشان از بین می‌برد. علاوه بر این، روسا با اتخاذ این سبک ممکن است گاهی مورد تنفر مدیران و مأموران پلیس قرار گیرند که مشارکت آنان در عملیات‌های پلیسی را نشانه بی‌اعتمادی به زیردستان تعبیر می‌کنند. نقش پلیس ارشد در روابط خارجی نیز به راحتی قابل پیش‌بینی نیست. با نگاهی به راهبردهای مزبور می‌توان دریافت که الگوی پلیس سنتی بیشتر در پی تقویت بُعد خدمت‌رسانی کلی است و بیشتر بر ابزارها و منابع پلیسی صحنه می‌گذارد و کمتر به کارآمدی پلیس در پیشگیری از وقوع جرم، بی‌نظمی و ناامنی می‌پردازد. الگوی سنتی پلیس را همچنین از منظر تکیه و تمرکز افراطی بر اجرای صرف قوانین پلیسی در پیشگیری از وقوع جرم مورد انتقاد قرار می‌دهند (میس، 1385¹ : 138).

حیطه کار پلیس سنتی که عموماً یک نهاد دولتی محسوب می‌شود، بر اساس قانون مجازات تعریف خواهد شد. به این ترتیب، پلیس تنها و تنها با آنچه قانون آن را جرم می‌داند، به مبارزه بر می‌خواست و اصولاً بر پایه پیشگیری کیفری، در عمل با وقایع

سروکار داشته، صرفاً زمانی در جرائم مداخله می‌کرد که جرم و جنایتی اتفاق می‌افتاد (میلر¹ و هس،² 1382: 63).

پلیس سنتی دارای ویژگی‌های ذیل است: پلیس سنتی واکنش‌گراست، پلیس سنتی متمرکز به اجرای قانون است، پلیس سنتی تا حدودی نظامی مسلک است، پلیس سنتی دارای سلسله‌مراتب است و خود را در مقابل مافوق و سلسله‌مراتب مسئول می‌داند، رفتار پلیس سنتی اصولاً مبتنی بر تقبیح و سرزنش است، پلیس سنتی گذشته‌نگر است، در یک کلام اولویت‌ها، مسائل و پاسخ‌ها را از جامعه و نیازها و ضرورت‌های جامعه می‌گیرد، درحالی‌که پلیس دولت‌محور چنین اولویت‌ها، مسائل و پاسخ‌هایی را از دولت دریافت می‌کند. در نتیجه پلیس ممکن است در یک جامعه برخی امور را جزو اولویت‌های خود قرار بدهد، درحالی‌که برای جامعه آن امور جزء اولویت‌ها نیستند یا جزء اولویت‌های دسته چندانم‌اند. این امر ممکن است حاکی از آن باشد که پلیس آن جا جامعه‌محور نیست بلکه دولت‌محور است. به هر ترتیب ممکن است برخی از واکنش‌های پلیس دولت‌محور هیچ تناسبی با نیازهای واقعی و ضرورت‌های اجتماعی نداشته و صرفاً در راستای اهداف سیاسی و حاکمیت دولت باشد (نوروزی و بارانی، 1390: 136).

در الگوی پلیس سنتی، دستگیری مظنونان و مجازات آنان مهم‌ترین و اصلی‌ترین اقدام پلیس در پیشگیری از وقوع جرم و کاهش وقوع آن است. به عبارتی، الگوی پلیس سنتی در مقوله پیشگیری از جرم، صرفاً بر اقدامات و تدابیر پیشگیری از طریق نظام عدالت کیفری تمرکز دارد و تدابیر پیشگیرانه غیرکیفری در الگوی پلیس سنتی چندان جایگاهی ندارد (وروایی و بهره‌بر، 1388: 126).

سبک اقتضایی یا موقعیتی: نگرش اقتضا فرایندهای نگرش کلاسیک و مفاهیم انسانی مربوط به نگرش نئوکلاسیک را می‌پذیرد و آن‌ها را متغیرها و عوامل داخلی سازمان می‌داند. از طرف دیگر، بر اساس نظریه‌ی سیستم‌ها این عوامل داخلی سیستم‌های داخلی مرتبط به هم که در تعامل با یک دیگر می‌باشند به عنوان سیستم‌های فرعی، محسوب می‌شوند. این نگرش با الهام از مفهوم سیستم باز معتقد است بین عوامل داخلی سازمان و محیط بیرونی ارتباط وجود دارد. ولی به قول کاست و

1- Miller

2- Hys

رونز آنچه که علاوه بر این مفروضات مهم است ارائه پیشنهاد مناسب‌ترین طرح‌های سازمانی و سیستم‌های مدیریتی برای شرایط مشخص است. به عبارت دیگر نظریه اقتضا در صدد آن است که ارتباط مشخصی را بین عوامل محیطی و سازمانی بیابد و معتقد است ارتباط مشخصی بین متغیرها وجود دارد. نگرش اقتضا علاوه بر قبول عوامل درون سازمانی کلاسیک و نئوکلاسیک، عوامل دیگر مثل فن‌آوری و سیستم اقتصادی و ... را در دیدگاه خود وارد کرده است و کامل‌تر از نگرش‌های قبل از خودش می‌باشد.

نگرش اقتضایی درصدد کاربردی کردن بسیاری از مفاهیم مدیریتی که در برخی موقعیت‌ها کاربرد ندارند به منظور دستیابی به اهداف سازمانی می‌باشد و سعی در ایجاد یک ارتباط تبعی (نه الزاماً علت و معلولی) دارد. در این ارتباط، عوامل محیطی متغیر مستقل و عوامل مدیریتی متغیرهای وابسته‌اند (سیدجوادین، 1383: 54).

مدیریت پلیس: مدیریت روسای پلیس اصولاً با این موارد در ارتباط است:

1- اجرای وظایف مدیریتی در مراکز پلیس، 2- اعمال برنامه‌ها و روش‌های مرتبط با جرم، ناآرامی و امنیت عمومی.

مدیران پلیس باید در سطح داخلی بر اداره سازمانشان و در سطح بیرونی بر مشکلات حاکم بر جوامع احاطه داشته باشند. آن‌ها باید بکوشند تا بازده عملکرد پلیس را بالا برده و به اهداف تأمین امنیت دست یابند. مدیران پلیس باید به منظور دستیابی به کارایی و تأثیربخشی، به الزامات قانونی و اخلاقی پایبند بمانند و همواره مسئولیت اعمال تصمیم‌هایشان را بعهده گیرند (کوردنر و اسکاربورگ، 1390: 11).

دو نقش اصلی برای مدیریت روسای پلیس: رئیس پلیس دو نقش اساسی دارد. اولین نقش وی به مباحث داخلی اداره پلیس متمرکز است و در این نقش رئیس باید اطمینان یابد که آیا وظایف سازمانی به درستی انجام می‌شود. نقش دوم روسای پلیس نقشی با محوریت خارجی است زیرا سازمان پلیس سیستم‌هایی باز هستند و با محیط اطراف خود در تعامل‌اند و این محیط مطالبات بی‌شمار و متغیری از آنان دارد. به طور کلی روسای پلیس مسئول مدیریت تعامل میان سازمان و محیط است به گونه‌ای که مانعی بر سر راه تحقق اهداف سیستم پیش نیاید. هر دو نقش داخلی و خارجی روسای پلیس از اهمیتی یکسان برخوردارند. عدم موفقیت در ایفای درست هر یک از این

نقش‌ها می‌تواند رئیس پلیس و اداره تحت امر را به نابودی بکشاند. مشکلات در مدیریت داخلی می‌تواند منجر به بازدهی پایین، روحیه ضعیف، تجهیزات و کارکنانی زیر حد استاندارد، مسامحه کاری و سوءاستفاده‌هایی همچون فساد و خشونت شود (کوردنر و اسکاربورگ، 1390: 252).

نقش داخلی: نقش مبتنی بر امور داخلی، مدیریت سازمان پلیس را شامل می‌شود. روشی برای به نمایش گذاشتن این نقش این است که تصور کنیم رئیس پلیس از دورنمای سیستم‌ها به سازمان می‌نگرد و توجهی نزولی به کارکرد امور داخلی اداره‌اش معطوف داشته است. نقش داخلی با تمام امور پیش‌آمده در درون مرزهای یک سازمان مرتبط است. مدیریت و رهبری دو وجه مرتبط با نقش داخلی روسای پلیس می‌باشند (کوردنر و اسکاربورگ، 1390: 252).

نقش خارجی: نقش خارجی رئیس پلیس، مدیریت تعامل‌های سازمان با محیط را دربر می‌گیرد. کارهای انجام‌شده در ادارات پلیس به عنوان سیستم‌هایی باز، بر محیط پیرامون آن تأثیرگذارند و تحت تأثیر محرک‌های محیطی قرار می‌گیرند تأثیرهای کلی این تعامل‌ها می‌توانند مثبت، منفی یا ترکیبی از هر دو باشند. رئیس پلیس باید با تمام این‌ها در ارتباط باشد. رسانه‌ها اجزای مهمی در محیط پیرامون یک اداره پلیس هستند زیرا بر اثر اطلاعات مردمی درباره اطلاعات پلیس تسلط دارند (کوردنر و اسکاربورگ، 1390: 263).

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی اسنادی صورت پذیرفته در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر در مراکز تحقیقاتی نیروی انتظامی و سایر مراکز علمی، تحقیقات مشابه‌ای در زمینه تأثیر سبک مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان انجام، مواردی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

زکی، گودرزی و سوری (1394) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه سبک‌های مدیریت با اثر بخشی سازمان» به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک‌های مدیریت با اثربخشی سازمانی مدارس مقطع ابتدایی ارتباط مستقیم وجود دارد و بین مدیران مدارس دخترانه و پسرانه ابتدایی در زمینه سبک‌های مدیریتی و اثربخشی سازمانی

مدرسه تفاوت وجود دارد. همچنین با افزایش سن و سابقه کار پاسخگویان، اثربخشی سازمانی مدرسه نیز افزایش یافته و تفاوت معناداری در اثربخشی سازمانی مدارس به نفع زنان مشاهده شده است. علاوه بر آن تحصیلات تأثیر چندانی بر اثربخشی سازمانی مدرسه نداشته است.

احمدی و بذرافشان (1393) در پژوهش خود با عنوان رابطه بین سبک‌های مدیریت با سلامت سازمانی و استرس شغلی کارکنان به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک مدیریتی رابطه مدار با سلامت سازمانی رابطه معکوس و معنادار و بین سبک مدیریتی ضابطه مدار با سلامت سازمانی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. بین سبک مدیریتی رابطه مدار با استرس شغلی رابطه معکوس و معنادار مشاهده شد و نتایج نشان داد که بین سبک مدیریتی ضابطه مدار با استرس شغلی رابطه مستقیم و معنادار، وجود داشت، و بین متغیرهای سلامت سازمانی با استرس شغلی رابطه معکوس و معنادار مشاهده گردید. نتایج پیش‌بینی‌ها حاکی از قدرت پیش‌بینی سبک‌های مدیریتی رابطه مدار و ضابطه مدار برای متغیرهای سلامت سازمانی و استرس شغلی بود.

قاسم‌پور (1393) در پژوهشی با موضوع «شناخت تأثیر اقدامات انتظامی مؤثر بر ارتقاء احساس امنیت شهروندان اهواز» به این نتیجه رسیده است که گشت‌های انتظامی، ایست و بازرسی انتظامی و خدمات فوریت‌های پلیسی 110 بر ارتقاء احساس امنیت اجتماعی تأثیر مستقیم و مثبت دارند.

خاکسار (1389) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سبک‌های مدیریتی و یادگیری سازمانی بر توانمندسازی کارکنان ناجا (مورد مطالعه کارکنان صف و ستاد استان همدان)»، به این نتیجه رسیده است که سبک‌های مدیریتی و یادگیری سازمانی تأثیر قوی بر توانمندسازی کارکنان دارد.

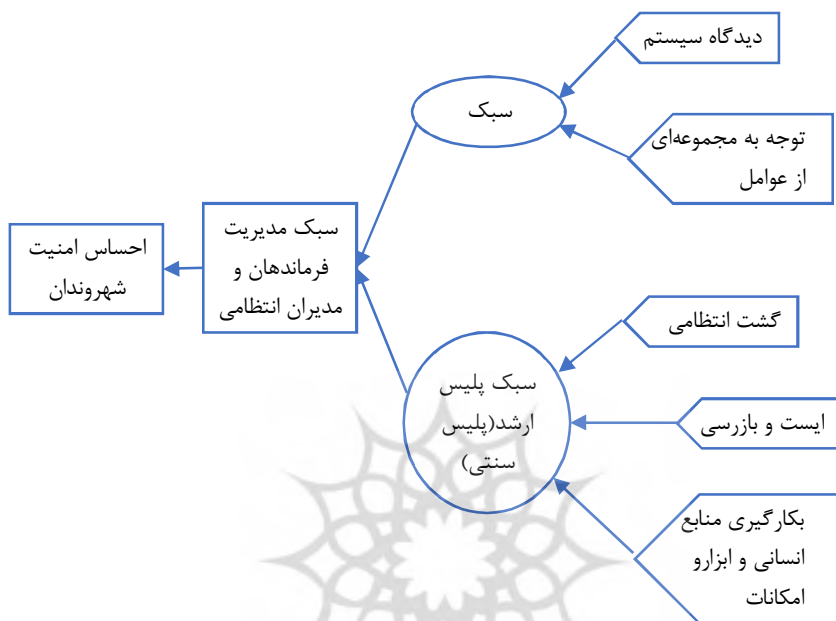
الگوی مفهومی پژوهش

این الگو در واقع درصدد بررسی میزان تأثیر سبک‌های مدیریت پلیس بر احساس امنیت شهروندان ایلامی می‌باشد که در خصوص سبک‌های مدیریت باید گفت: اولین سبک، سبک سنتی (پلیس ارشد) است که رویکرد سنتی پلیس عمدتاً براساس واکنش به جرائم پس از ارتکاب استوار است. در سبک سنتی ماشین‌های گشت پلیس که برای اقدام بازدارنده به حرکت می‌افتند از مأمورانی تشکیل یافته است که به طور تصادفی در خیابان‌ها حرکت می‌کنند تا در مقابل جرائم مشهود اقدام نموده و رضایت شهروندان را به دست آورند و تحقیقات و تجربه نشان داده است که این ترفندها در کاهش جرائم با موفقیت روبرو نبوده‌اند؛ زیرا در پلیس سنتی اولویت کار به واکنش در مقابل جرائمی که قبلاً اتفاق افتاده‌اند و به موقعیت‌هایی که از نظر ارتکاب جرائم به مرز بحرانی رسیده‌اند، می‌باشد (ترویانوویچ و باکوروکس، 1383: 142).

دومین سبک، سبک اقتضائی می‌باشد که نظریه‌ی اقتضا درصدد آن است که ارتباط مشخصی را بین عوامل محیطی و سازمانی بیابد و معتقد است ارتباط مشخصی بین متغیرها وجود دارد. سومین سبک، سبک جامعه‌محور می‌باشد که پلیس جامعه‌محور عبارت است از راهبرد و خط مشی با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرائم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه که درصدد تغییر شرایط جرم‌خیز هستند (ترویانوویچ و باکوروکس، 1383: 29).

و در رابطه با احساس امنیت باید گفت که احساسی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است که دارای ابعاد گوناگون می‌باشد این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. احساس امنیت و امنیت روانی به اندازه وجود امنیت در جامعه مهم است. بنابراین احساس امنیت یعنی احساس آزادی نسبی از خطر، به گفتاری دیگر، احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی و امنیت سرزمینی تلقی

می‌شود (تاجران و کلاکی، 1388: 564). با توجه به مطالب اشاره شده می‌توان مدل مفهومی پژوهش را به شرح ذیل ارائه نمود.



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل اساتید و مدیران حوزه امنیت و مدیریت در مراکز دانشگاهی و اجرائی شهر ایلام به تعداد 287 نفر بوده است. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید و سپس از بین این خوشه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، افراد انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید که تعداد 164 نفر به عنوان حجم نمونه برآورد شد. در تحقیق حاضر، برای بررسی پایایی پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته که دارای 4 بُعد، 11 مؤلفه و 40 گویه یا سوال بوده است از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب بدست آمده برای بُعد سبک پلیس ارشد 0/873، بُعد سبک اقتضائی 0/877، بُعد سبک جامعه محور 0/874 و برای بُعد احساس امنیت 0/876 محاسبه گردید و ضریب

آلفای کل پرسشنامه نیز برابر 0/875 محاسبه شده است. همچنین جهت بررسی روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از نظر صاحب‌نظران و اساتید مرتبط با موضوع تحقیق استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

وضعیت جمعیت شناختی آزمودنی‌ها به منظور درافت و درک بهتر از نتایج تحقیق به شرح زیر می‌باشد.

جدول 1- آمار توصیفی پژوهش

متغیر	گزینه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	121	0/73/8
	زن	43	0/26/2
سن	20 تا 30 سال	93	0/56/7
	31 تا 40 سال	45	0/27/4
	41 تا 50 سال	26	0/15/9
سابقه کار	زیر 10 سال	97	0/59/1
	10 تا 20 سال	53	0/32/3
تحصیلات	بالای 20 سال	14	0/8/6
	کارشناسی	128	0/78
دکتری	کارشناسی ارشد	32	0/19/5
		4	0/2/5

ب) یافته‌های استنباطی

جدول 2- آزمون کلموگروف - اسمیرنوف مؤلفه‌های مختلف سبک مدیریتی

مؤلفه	k-s	Sig
سبک مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی	1/660	/008
سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد)	1/874	/002
سبک مدیریت اقتضایی	1/596	/012
احساس امنیت	2/920	/000

با توجه به خروجی جدول (5): چون مقدار ($\text{Sig} < 0/05$) می‌باشد بنابراین فرض H_0 تأیید نخواهد شد و فرض H_1 که حاکی از نرمال نبودن داده‌ها است تأیید خواهد شد در نتیجه داده‌های جدول فوق غیرنرمال است.

بررسی فرضیه‌ها بر اساس آزمون رگرسیون خطی

برای بررسی ارتباط و تبیین روابط بین متغیرها از آزمون آماری تحلیل رگرسیون استفاده گردید که نتایج حاصل از آن در جداول زیر درج گردیده است.

همان‌گونه که در این جدول 3 مشاهده می‌شود، $0/72$ درصد از تأثیر سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام را نشان می‌دهد و $0/28$ باقی‌مانده مربوط به دیگر متغیرها و عوامل مختلف تأثیرگذار بر احساس امنیت شهروندان ایلامی می‌باشد که در این پژوهش مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

فرضیه (1): سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر دارد.

جدول 3- نتایج تأثیر سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام

مؤلفه	ضریب B	خطای استاندارد	Beta	T	Sig	Adjusted R Square
مقدار ثابت	12/333	1/213		10/166	/000	/072
سبک‌های مدیریتی	/036	/010	/268	3/544	/001	

طبق یافته‌های جدول 3 نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها در ارتباط با تأثیر سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام می‌توان گفت که با توجه به ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است و مقدار تی بدست آمده ($3/544$)، این مقدار در سطح ($0/001$) معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه مورد مطالعه مورد تأیید واقع می‌شود و این مدل $0/72$ درصد از تأثیر سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام را نشان می‌دهد.

فرضیه (2): سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان ایلام تأثیر دارد.

طبق یافته‌های جدول 3 نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها در ارتباط با تأثیر سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام می‌توان گفت که با توجه به ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است و مقدار تی بدست آمده (3/002)، این مقدار در سطح (0/003) معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه مورد مطالعه مورد تأیید واقع می‌شود و این مدل 0/047 درصد از تأثیر سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام را نشان می‌دهد.

جدول 4- نتایج تأثیر سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان ایلام

مؤلفه	ضریب B	خطای استاندارد	Beta	T	Sig	Adjusted R Square
مقدار ثابت	13/484	1/049		12/855	/000	/047
سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد)	/108	/036	/230	3/002	/003	

فرضیه (3): سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر دارد.

جدول 5- نتایج تأثیر سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام

مؤلفه	ضریب B	خطای استاندارد	Beta	T	Sig	Adjusted R Square
مقدار ثابت	14/014	1/091		12/841	/000	/028
سبک مدیریت اقتضایی	/091	/038	/185	2/390	/018	

طبق یافته‌های جدول 5 نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها در ارتباط با تأثیر سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام می‌توان گفت که با توجه به ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که

تحت عنوان ضریب مسیر است و مقدار تی بدست آمده (2/390)، این مقدار در سطح (0/018)، معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه مورد مطالعه مورد تأیید واقع می‌شود و این مدل 028 درصد از تأثیر سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام را نشان می‌دهد.

بررسی فرضیه‌ها بر اساس آزمون بی‌نومینال و تی تک نمونه‌ای

فرضیه (1): سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر دارد.

جدول 6- توزیع نظرات پاسخ‌گویان در خصوص تأثیر سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام

متغیر	نسبت مخالف	نسبت موافق	میانگین	Std برآورد میانگین	Sig آزمون	
					T	df
سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی	/93	/7	4/048	/604	/000	22/202

یافته‌های جدول 6 نشان می‌دهد که 7 درصد از پاسخگویان معتقدند که سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام در حد خیلی کم، کم و متوسط تأثیر دارد و 93 درصد آن‌ها نیز معتقدند که سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام در حد زیاد و خیلی زیاد تأثیر دارد. میانگین این شاخص (4/048) بوده و آزمون تی برای مقایسه میانگین‌ها با عدد مبنای 3 نشان می‌دهد میانگین نظر پاسخ‌گویان از عدد 3 به طور معنی‌داری (Sig= 0/000 و t= 22/202) بیشتر می‌باشد، لذا سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر زیادی دارد.

فرضیه (2): سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر دارد.

جدول 7- توزیع نظرات پاسخ‌گویان در خصوص تأثیر سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام

متغیر	نسبت مخالف	نسبت موافق	میانگین	Std برآورد میانگین	Sig آزمون دو جمله‌ای	T	df	Sig آزمون t
سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد)	/88	/12	4/086	/716	/000	19/427	163	/000

یافته‌های جدول (10) نشان می‌دهد که 12 درصد از پاسخ‌گویان معتقدند که سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام در حد خیلی کم، کم و متوسط تأثیر دارد و 88 درصد آن‌ها نیز معتقدند که سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام در حد زیاد و خیلی زیاد تأثیر دارد. میانگین این شاخص (4/086) بوده و آزمون تی برای مقایسه میانگین‌ها با عدد مبنای 3 نشان می‌دهد میانگین نظر پاسخ‌گویان از عدد 3 به طور معنی‌داری ($t=19/427$ و $Sig=0/000$) بیشتر می‌باشد، لذا سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر زیادی دارد.

فرضیه (3): سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر دارد.

جدول 8- توزیع نظرات پاسخ‌گویان در خصوص تأثیر سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام

متغیر	نسبت مخالف	نسبت موافق	میانگین	Std برآورد میانگین	Sig آزمون دو جمله‌ای	T	df	Sig آزمون t
سبک مدیریت اقتضایی	/90	/10	4/055	/689	/000	19/619	163	/000

یافته‌های جدول 8 نشان می‌دهد که 10 درصد از پاسخ‌گویان معتقدند که سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام در حد خیلی کم، کم و متوسط تأثیر دارد و 90 درصد آن‌ها نیز معتقدند که سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت

شهروندان شهرستان ایلام در حد زیاد و خیلی زیاد تأثیر دارد. میانگین این شاخص (4/055) بوده و آزمون تی برای مقایسه میانگین‌ها با عدد مبنای 3 نشان می‌دهد میانگین نظر پاسخ‌گویان از عدد 3 به طور معنی‌داری ($t = 19/619$ و $Sig = 0/000$) بیشتر می‌باشد، لذا سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی در میزان احساس امنیت شهروندان شهرستان ایلام تأثیر زیادی دارد. لذا به طور خلاصه می‌توان به این ترتیب دست یافت که:

جدول 9- رتبه‌بندی متغیرها بر مبنای ضریب t

ردیف	نام متغیر	ضریب t	رتبه
1	سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی	22/202	1
2	سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) فرماندهان و مدیران انتظامی	19/715	3
3	سبک مدیریت اقتضایی فرماندهان و مدیران انتظامی	19/619	2

با توجه به رتبه‌بندی بدست آمده نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل با توجه به ضریب تی بدست آمده رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد که فرضیه شماره یک یعنی سبک مدیریت فرماندهان انتظامی بر احساس امنیت تأثیر دارد و از سبک‌های مدیریت فرماندهان و مدیران بررسی شده در این تحقیق سبک مدیریت اقتضایی با ضریب تی 19/619 بیشترین اثرگذاری را بر احساس امنیت دارد و سبک سنتی در رتبه بعدی قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی در تحقیقی که انجام گرفت تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی به رابطه بین نگرش شهروندان به احساس امنیت و سبک مدیریت انتظامی صورت گرفت. در سطح توصیفی داده‌ها، نگرش جامعه آماری تحقیق نشان داد که برای افزایش احساس امنیت در جامعه، مردم خواستار چه توقعاتی از پلیس هستند. اما در سطح استنباطی داده‌ها نشان داد که از میان سبک‌های مدیریت پلیس مورد بررسی در این تحقیق، سبک اقتضایی بر سبک سنتی ارجحیت بیشتری دارد.

در خصوص رابطه معناداری فرضیه‌های تحقیق با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت چون مقدار ($Sig < 0/05$) برای همه فرضیه بدست آمده است بنابراین فرض H_0

تأیید نشده است و فرض H1 که حاکی از وجود رابطه معنادار واقعی در بین متغیرهای مورد مطالعه یعنی سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی به عنوان متغیر مستقل و احساس امنیت شهروندان به عنوان متغیر وابسته می‌باشد در تمام فرضیه‌ها تأیید شده است و همه فرضیه‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

در خصوص فرضیه شماره یک با توجه به مقدار ضریب تی بدست آمده یعنی $t = 19/7155$ می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران انتظامی به عنوان یک عامل تأثیرگذار بیشترین مقدار تأثیر را بر ارتقاء میزان احساس امنیت شهروندان ایلامی می‌تواند داشته باشد که این یافته با یافته تحقیقات زکی، گودرزی و سوری (1394)، احمدی و بذرافشان (1393) و خاکسار (1389) مطابقت دارد.

در خصوص فرضیه شماره دو با توجه به مقدار ضریب تی بدست آمده یعنی $t = 19/715$ می‌توان نتیجه گرفت که سبک مدیریت سنتی (پلیس ارشد) در بین سبک‌های مورد مطالعه در این تحقیق از نظر تأثیرگذاری بر میزان احساس امنیت شهروندان ایلامی در رده سوم قرار دارد، بنابراین با افزایش فراوانی گشت‌های پلیس، دستگیری افراد معتاد و اراذل و اوباش، تأمین امنیت مراسمات و برقراری تور ایست و بازرسی در جهت ارتقاء احساس امنیت شهروندان اقدام نمود، این یافته با یافته‌های قاسم‌پور (1393) که به بررسی تأثیر گشت انتظامی، ایست بازرسی و خدمات فوریت‌های 110 پلیس بر احساس امنیت شهروندان اهوازی انجام شده است هم‌خوانی دارد.

در خصوص فرضیه شماره سه با توجه به مقدار ضریب تی بدست آمده یعنی $t = 19/619$ می‌توان نتیجه گرفت که سبک مدیریت اقتضایی، که از جهت تأثیرگذاری بر احساس امنیت شهروندان ایلامی در بین سبک‌های مورد مطالعه در رتبه دوم قرار دارد. لذا می‌توان با بهبود ارائه آموزش‌های همگانی دیداری، شنیداری، نوشتاری و آموزش در مدارس و ادارات، جلب مشارکت و همکاری مردم در امورات پلیس، به‌کارگیری انواع گشت‌های انتظامی با در نظر گرفتن شرایط مکان و زمان در جهت ارتقاء سطح امنیت اجتماعی شهروندان قدم برداشت. این یافته با یافته تحقیقات زکی، گودرزی و سوری (1394)، و خاکسار (1389) مطابقت دارد.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه سبک مدیریت اتخاذ شده توسط فرماندهان و مدیران انتظامی بر احساس امنیت شهروندان تأثیرگذار می‌باشد لذا اجرای کلاس‌های آموزشی در هر شهرستان توسط فرماندهانی که دارای سوابق علمی و سوابق تجربی مربوط به آن شهرستان می‌باشند جهت مدیران لایه دوم و سوم پیشنهاد می‌گردد. پیاده‌سازی کلاس‌های مذکور که با استفاده از تجربیات بدست آمده در گذر زمان و در صحنه عمل می‌باشد وقتی با علم مدیریت ترکیب گردد می‌تواند در صحنه عمل باعث افزایش احساس امنیت شهروندان و تسهیل در امور ناجا و جلوگیری از شکست در انجام امورات را به دنبال داشته باشد.
- دفترچه‌ای تحت عنوان تجربیات انتظامی تهیه و در اختیار فرماندهان و مدیران انتظامی قرار گیرد تا فرمانده با عنایت به مشکلات و مسائل امنیتی پیش‌آمده در سطح حوزه استحفاظی و تدابیر و راهکارها و سبک‌های مدیریتی که جهت مرتفع نمودن مشکل در صحنه عمل اتخاذ می‌نماید نسبت به تکمیل آن اقدام نماید و در پایان نیز تجزیه و تحلیل خود را از مشکل و راهکار حل آن بیان نماید. بدین ترتیب گنجینه‌ای از تجربیات انتظامی و سبک‌های مدیریتی اتخاذ شده جهت حل مشکل در هر یگان مسبوق به سابقه است که با جابجایی فرماندهان می‌تواند فرمانده جدید را با پیچیدگی‌های منحصربه‌فرد روابط اجتماعی مردمان حوزه استحفاظی خود و هنجارها و ارزش‌های آن‌ها آشنا نموده و او را در مرتفع نمودن مشکلات و مسائل انتظامی یاری نماید.
- یکی از راههایی که بر پیشگیری از جرم و ارتقاء سطح امنیت تأثیرگذار است، حضور گشت‌های پلیس در مناطق جرم‌خیز است لذا پیشنهاد می‌گردد برای کارایی بیشتر این گشت‌ها مقدماتی از قبیل شناسایی محله‌های جرم‌خیز و افراد مجرم، تجهیز گشت‌ها به انواع تجهیزات مدرن با توجه به نوع جرم‌خیز بودن منطقه، استفاده از کارکنان مجرب و کارآمد، تجهیز گشت‌ها به سیستم GPS، آموزش کافی، اعزام گشت‌های مختلف با توجه به شرایط اجتماعی، جغرافیایی و مواردی از این جمله فراهم گردد.

- افزایش تعداد گشت‌های پیاده و سواره جهت اشرافیت بیشتر و تعامل بهتر با مردم و توانمندسازی مأموران گشت در ابعاد مختلف از قبیل دانش، منش، مهارت در راستای مأموریت محوله و همچنین شناسایی محل‌های عبور مجرمین و پوشش انتظامی این مناطق از طریق اجرای ایست و بازرسی مقطعی جهت افزایش ضریب امنیتی این مناطق و ناامن نمودن محیط برای مجرمین.
- بسترسازی و استفاده از تجهیزات مدرن در ایستگاه‌های بازرسی مصوب و بالا بردن آمادگی جسمانی و رزمی واحدهای عمل‌کننده در ایست و بازرسی و آمادگی آنان در برخورد با مجرمین با استفاده از یونیفورم و لباس مرتب و شکیل و به نمایش گذاردن ظاهری تحسین‌برانگیز توسط پلیس.
- انجام مانورهای مقطعی و منظم در سطح شهر با افزایش تعداد نیروهای صفی، گشتی‌ها و وسایط نقلیه در اختیار آنها تا حد استاندارد جهت تأمین امنیت مراسم‌های ملی و مذهبی و دستگیری افراد معتاد، اراذل و اوباش و مزاحمین نوامیس مردم مبتنی بر رویکرد جدید پلیس جامعه محور، که بایستی در کنترل اجتماع از روش‌های مختلط انتظامی (روش‌های کنترل آشکار، پنهان، اطلاعاتی) استفاده نمود.
- ارتقاء سطح دانش و بینش و منش پلیس با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه که مردم احساس نمایند پلیس در سطح بالایی از علم و تجربه قرار دارد و هم سطح با قشر تحصیل‌کرده جامعه می‌باشد، که این موضوع باعث افزایش احساس امنیت شهروندان می‌گردد.

- قرآن کریم
- بیانات مقام معظم رهبری (1388/06/15). در جمع مردم شهرستان سنندج.
- احمدی، عبدالله و بذرافشان، عباسعلی (1393). رابطه بین سبک‌های مدیریت با سلامت سازمانی و استرس شغلی کارکنان. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، مردودشت: دانشگاه آزاد اسلامی، سال پنجم، شماره 2، صص 73-90.
- تاجران، عزیزالله و کلاکی، حسن (1388). «بررسی عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، شماره 4، تهران.
- ترویباترونویچ، رابرت و باب، باتوروکس (1383). پلیس جامعه محور. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه و بودجه، انتشارات فرات، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (1368). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- خاکسار، اسدالله (1389). بررسی تأثیر سبک‌های مدیریتی و یادگیری سازمانی بر توانمندسازی کارکنان ناجا مورد مطالعه کارکنان صف و ستاد استان همدان. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- رضائیان، علی (1387). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- زکی، محمدعلی؛ گودرزی، حسن و سوری، زهره (1394). رابطه بین سبک‌های مدیریت با سلامت سازمانی و استرس شغلی کارکنان. فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، دوره 4، پیاپی 16، صص 149-172
- سیدجوادی، سیدرضا (1383). نظریه‌های مدیریت و سازمان. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- عزیزی، علی (1391). گشت انتظامی مبتنی بر جغرافیای جرم. تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- امید زنجانی، عباسعلی (1367). فقه سیاسی. ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاسم پور، علی (1393). شناخت تأثیر اقدامات انتظامی مؤثر بر ارتقاء احساس امنیت شهروندان اهواز. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- کوردنر، گری و اسکابورگ، کاترین (1391). مدیریت پلیس. ترجمه استرکی اکبر، نشر تهران.
- مصدق‌راد، علی محمد (1381). کلیات مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی. انتشارات دیباگران، سال هفدهم، شماره 4.
- مصدق‌راد، علی محمد (1384). بررسی رابطه بین سبک‌های رهبری مدیران. مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

- میس، ادوین و اورتمایر، پی جی (1385). رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیس. ترجمه حسین شاکری، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد و سرکشیکیان، محمدحسین (1390). پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- وروایی اکبر و بهره‌بر، سروش (1388). مقایسه راهبردی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره دهم.
- هس، کارن ام و میلر، لیندا اس (1382). پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن بیست و یکم. ترجمه رضا کلهر، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- هرسی و کنت، بلانچارد (2007). مدیریت رفتار سازمانی کاربرد منابع نیروی انسانی. ترجمه علی علاقه بند، تهران: نشر امیر کبیر.
- Hong Y., Liao H., Hu J., Jiang K. (2013) "Missing link in the service profit chain: A meta-analytic review of the antecedents, consequences, and moderators of service climate", *Journal of Applied Psychology*, 98(2): 237-267.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی